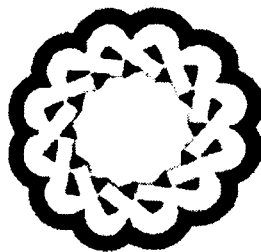


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

سیمای جامعه در شعر دوره بیداری با تکیه بر شعر عارف قزوینی،

ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی

استاد راهنما:

دکتر سعید حاتمی

استاد مشاور:

دکتر نسرین فلاح

دانشجو:

پروانه صفایی قهفرخ

کتابخانه ادبیات زبان فارسی
شماره ثبت کتاب

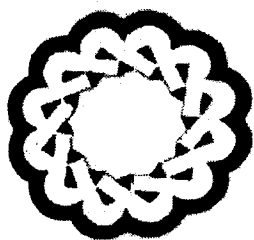
۱۳۸۹/۹/۱۴

شهریورماه ۱۳۸۹

۱۴۷۳۳۸

تمام حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری این پایان نامه

متعلق به دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان است.



دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

با عنوان:

«سیمای جامعه در شعر دوره‌ی بیداری با تکیه بر شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوقاسم لاهوتی»

دانشجو:

«پروانه صفایی قهفرخ»

در تاریخ ۸۹/۶/۲۳ توسط هیأت داوران زیر بررسی شد و با درجه‌ی

عالی

به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه

دکتر سعیدحاتمی

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه

دکتر نسرین فلاح

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخلی گروه

دکتر حمیدجعفری قریه‌علی

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارجی گروه

دکتر قاسم سالاری

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

۵- نماینده‌ی تحصیلات تکمیلی

آقای دکتر عبدالرضا خگر

با مرتبه‌ی علمی استادیار

امضاء

سپاس و قدر دانی

سپاس خدای را که از گنجینه ی بی کرانه ی الطاف بی منتهاش، نعمتی دیگر از انعام بی دریغ خویش به این بنده
کمترین بخشید تا چند صباحی دیگر از عمر را به کسب دانش آموزی و دانش اندوزی ارزش و بها بخشم.

اینک در پایان این دوره لازم می دانم که فروتنانه به نشانه ی احترام از معلمان دلسوز و پر تلاش دوران زندگی تحصیلی
خود و اساتید بزرگوار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر(عج)، به پاس درسهایی که از محضرشان آموختم و نیز از همسر
گرامی و شایسته ام که آسایش و فراغت خیال را جهت انجام این مختصر برای این جانب فراهم ساختند و همراه و هم فکر بنده
بودند، از جان و دل سپاس گزاری کنم و از آستان حضرت حق برای همه ی آن عزیزان عزت و سربلندی آرزو مندم.

چکیده

آشنایی ایرانیان با تحولات جدید جهانی در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... به ویژه در کشورهای همسایه و افکار آزادیخواهانه از طریق انتشار کتب و روزنامه ها منجر به انقلاب مشروطیت گردید. در این برهه از تاریخ سیاسی و اجتماعی کشور، تغییرات عمده ای در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه روی داد که گستره ی ادبیات نیز از این دگرگونی ها بر کنار نماند.

پیش از مشروطیت، اکثر شعرا به مسائل اجتماعی و مشکلات توده ی مردم چندان توجهی نمی کردند و قریحه ی شاعری خود را یا در خدمت ممدوحان قرار می دادند یا در دریای اندیشه های عرفانی و ذوقی خود فرو می رفتند؛ لذا دردها و مصائب توده ی مردم در شعر آنان کمتر مجال انعکاس می یافت؛ اما در این دوره تحت تاثیر تحولات جدید، ادبیات از نظر زبان و مضمون متحول گردید و شاعران با زبانی ساده و صمیمی، شعر خود را در خدمت آرمانهای توده ی مردم قرار دادند و در به ثمر رساندن نهضت مشروطه نقش عمده ای ایفا نمودند.

شعر عصر بیداری شعری نو گرا و تحول یافته است، البته این تحول، در ساختار بیرونی شعر کم رنگ تر است. پیش از این دوره، درون مایه های شعر را مسائلی از قبیل عشق، عرفان، وصف، مدح و... تشکیل می داد اما در این زمان، مضامین جدید از قبیل آزادی، وطن دوستی، قانون گرایی، مبارزه با استبداد، بیگانگی ستیزی، حقوق و آزادی زنان و... به عنوان مضامین اصلی شعر مطرح گردید. پیش از مشروطه چنانچه شاعران از اوضاع سیاسی و اجتماعی ناراضی بودند، غالباً به صورت تعریض، کنایه و اشاره اعتراض خود را نشان می دادند؛ اما در عصر مشروطه یا بیداری، شاعران صریح، بی پروا و به دور از مسامحه، اهداف سیاسی و اجتماعی خود را نشان می دادند.

در این پایان نامه سعی بر آن است که با مطالعه و بررسی شعر سه شاعر برجسته ی این دوره که کاملاً با تحولات آن زمان هماهنگ بودند؛ یعنی، عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی میزان تاثیرپذیری این شاعران از دگرگونی ها و حوادث جامعه آشکار گردد و مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تا حدی که در شعر این شاعران نمود یافته است، تحلیل و ریشه یابی گردد.

کلید واژه ها: دوره مشروطه یا بیداری، تحول، مردم، اجتماع، فرهنگ، سیاست

فهرست مطالب

عنوان صفحه

پسشگفتار

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- بیان مسأله ی پژوهش ۲
- ۲-۱- اهمیت پژوهش ۲
- ۳-۱- پیشینه ی پژوهش ۳
- ۴-۱- اهداف پژوهش ۴
- ۵-۱- شیوه ی پژوهش ۴

فصل دوم: ویژگی شعر دوره ی بیداری، تأثیر پذیری آن از سبک بازگشت و جایگاه عارف قزوینی،

ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی.

- ۱-۲- شعر بازگشت ۶
- ۱-۱-۲- زمان، خاستگاه و علل پیدایش سبک بازگشت ۶
- ۲-۱-۲- شعر بازگشت از نظر زبان، سبک و قالب ۸
- ۳-۱-۲- شعر بازگشت از نظر مضمون و محتوا ۹
- ۴-۱-۲- تأثیر شعر بازگشت بر شعر دوره ی مشروطه ۱۰
- ۲-۲- شعر دوره ی مشروطه (عصر بیداری) ۱۳
- ۱-۲-۲- تجدد ادبی در دوره ی مشروطه ۱۳
- ۲-۲-۲- شعر مشروطه از نظر سبک و زبان ۱۶
- ۳-۲-۲- شعر مشروطه از نظر مضمون و محتوا ۱۸
- ۴-۲-۲- شعر مشروطه از نظر تخیل و به کارگیری صور خیال ۲۳
- ۵-۲-۲- شعر مشروطه از نظر شکل و قالب ۲۴

۲۶-۳-۲ شرح احوال، آثار و ویژگی های ادبی سه شاعر.....

۲۷-۱-۳-۲ زندگی نامه ی ایرج میرزا.....

۲۸-۲-۳-۲ آثار ایرج میرزا.....

۲۹-۳-۳-۲ ویژگی شعر ایرج میرزا.....

۳۲-۴-۳-۲ زندگی نامه ی عارف قزوینی.....

۳۴-۵-۳-۲ آثار عارف قزوینی.....

۳۴-۶-۳-۲ ویژگی اشعار عارف قزوینی.....

۳۶-۷-۳-۲ زندگی نامه ی ابوالقاسم لاهوتی.....

۳۸-۸-۳-۲ آثار لاهوتی.....

۳۸-۹-۳-۲ ویژگی اشعار لاهوتی.....

فصل سوم: نقد و بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی در شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی

۴۰-۱-۳-۱ آشنایی با نقد.....

۴۰-۱-۳-۱-۱ تعریف نقد.....

۴۰-۲-۱-۳ ارزش و اهمیت نقد ادبی.....

۴۱-۳-۱-۳ انواع نقد ادبی.....

۴۱-۴-۱-۳ نقد اجتماعی (جامعه شناسی ادبیات).....

۴۳-۵-۱-۳ تاریخچه ی نقد شعر.....

۴۵-۲-۳ زمینه های اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطیت.....

۴۷-۳-۳ مهمترین مضامین اجتماعی و فرهنگی در شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی.....

۴۷-۱-۳-۳ تجد و اصلاح طلبی.....

- ۲-۳-۲- تعلیم و تربیت نوین ۵۱
- ۳-۳-۳- تشویق به دانش اندوزی ۵۳
- ۴-۳-۳- مبارزه با جهل و غفلت ۵۷
- ۵-۳-۳- انتقاد از زاهدان و فقیهان ریائی ۶۰
- ۶-۳-۳- انتقاد از اوضاع نابسامان اجتماع ۶۷
- ۷-۳-۳- حقوق و آزادی زنان ۷۳
- ۸-۳-۳- رواج فساد و بی بندوباری ۸۲
- ۹-۳-۳- خرافات و اعتقادات عامیانه ۸۵
- ۱۰-۳-۳- کنار گذاشتن اختلافات مذهبی ۸۷
- ۱۱-۳-۳- نکوهش خیانت ۸۸
- ۱۲-۳-۳- وطن پرستی ۹۱

فصل چهارم: نقد و بررسی مضامین سیاسی و اقتصادی در شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی.

- ۱-۴- زمینه های سیاسی و اقتصادی انقلاب مشروطه ۹۷
- ۲-۴- مضامین سیاسی ۹۹
- ۱-۲-۴- آزادی ۹۹
- ۲-۲-۴- مبارزه با استبداد ۱۰۱
- ۳-۲-۴- بیگانه ستیزی ۱۰۴
- ۴-۲-۴- انتقاد از شاه و رجال دولتی ۱۰۹
- ۵-۲-۴- مجلس ۱۱۵
- ۶-۲-۴- جمهوری ۱۱۷
- ۷-۲-۴- احزاب ۱۱۹

۳-۴-مضامین اقتصادی.....۱۲۱

۳-۴-۱-حمایت از رنجبران(ادبیات کارگری).....۱۲۱

۳-۴-۲-انتقاد از اوضاع مالی و فقر.....۱۲۵

۳-۴-۳-فاصله ی طبقاتی.....۱۲۸

نتیجه گیری.....۱۳۲

منابع و مأخذ.....۱۳۴

پیشگفتار

مدتها پیش از نهضت مشروطه، به ویژه در دوران پنجاه ساله ی سلطنت ناصر الدین شاه به سبب رفت و آمد بیشتر ایرانیان و اروپائیان، تأسیس دارالفنون، رواج صنعت چاپ، تأسیس روزنامه، رواج ترجمه و ورود بعضی از مظاهر تمدن غرب، به تدریج روشن فکران ایرانی فاصله ی میان جوامع اروپایی و جامعه ی ایران را احساس کردند و این موضوع از طریق آنان در کتابها و روزنامه ها راه یافت. چنانکه پس از مدتی، این مباحث از خواص به توده ی مردم کشانده شد و آنان نیز با تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دیگر آشنا شدند؛ اما ظلم و استبداد دوره ی ناصری به آنان کمتر فرصت اعتراض و انتقاد می داد.

پس از مرگ ناصر الدین شاه در سال ۱۲۷۵ هـ. ش (۱۳۱۳ هـ. ق)، فرزند او مظفرالدین شاه که مردی بیمار، بی لراجه و کم اطلاع از رسوم مملکت داری بود، بر تخت نشست.

«ناصرالدین شاه، کشوری را که تا مغز استخوان فساد گرفته بود و هر پاره اش به عنوان امتیاز در اختیار یکی از اجانب بود؛ با یک مشت رجال بی اطلاع و خائن به جانشین خود مظفرالدین شاه، آن طفل مسن و بهانه گیر باز گذاشت.» (آرین پور، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

در دوران مظفرالدین شاه، بی کفایتی پادشاه، وابستگی او به کشورهای بیگانه، گرفتن وام های گوناگون، اوضاع وخیم اجتماعی، اقتصادی و اداری بر ظلم و استبداد دوره ی ناصری افزوده شد و موجبات نا رضایتی بیشتر مردم را فراهم آورد. گذشته از این، انقلابات و تحولات جوامع هم جوار، این روند را تسریع نمود.

طبقه ی روشنفکر جدید که متأثر از مشروطه خواهی و ناسیونالیسم و در جستجوی نگرش و انقلابی نوین بود. دو طبقه ی؛ مردم و روشنفکران علی رغم اختلاف در نگرش، به ایدئولوژی و آرمان دولت مرکزی اعتراض داشتند و هر کدام برای خود سازمان ها، اجتماعات و احزاب سیاسی مخفی و نیمه مخفی تشکیل دادند. هر دو گروه به این نکته پی برده بودند که دولت قاجار از لحاظ اقتصادی ورشکسته، از نظر اخلاقی متزلزل، از لحاظ تشکیلات اداری، نا کار آمد و از همه مهم تر از حیث نظامی نالایق است. با این اوصاف تنها جرعه ای برای روشن نمودن اعتصاب و انقلاب لازم بود.

علاءالدوله حاکم تهران، به دستور عین الدوله صدر اعظم، در روز دوشنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۳ هـ. ق هفده نفر از بازرگانان و دو نفر از سادات را به جرم گران کردن بهای قند به چوب بست. با پخش شدن این خبر، دو هزار تن از تجار و طلاب به رهبری طباطبایی و بهبهانی در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند (هجرت صغری) و چهار خواسته ی خود را اعلام کردند: برکناری حاکم تهران، عزل مسیونوز بلژیکی، اجرای شریعت، تأسیس عدالت خانه.

شاه اجرا کردن خواسته های آنان را وعده داد اما نه تنها به قول خود عمل نکرد؛ بلکه تظاهر کنندگان

را در فشار گذاشت و در اثر این عهد شکنی و سخت گیری، بر دامنه ی جنبش مردم افزوده شد. تا اینکه سال بعد

در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴ هـ ق در اثر دستگیری واعظی که علیه دولت سخنرانی کرده بود؛ علما و مردم به خشم آمدند. علما به قم مهاجرت کردند (هجرت کبری) و گروهی از مردم تهران در سفارت انگلیس متحصن شدند.

دامنه‌ی نهضت به تبریز و اصفهان و شیراز هم بسط یافت. عین الدوله استعفا داد و مشیرالدوله به جای او انتخاب شد، علما به شهر برگشتند و شاه که از شورش و هیجان مردم به وحشت افتاده و احساس خطر کرده بود؛ به ناچار در ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۲۴ هـ ق به صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی تن داد.

همزمان با این تحولات اجتماعی و سیاسی، بر اثر پیدایش ارزش‌ها و اندیشه‌های جدید، ادبیات به ویژه شعر دچار تحول و دگرگونی شد. علی‌الخصوص اینکه تعدادی از شاعران و نویسندگان در این زمان در زمره‌ی آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان بودند. انقلاب مشروطه نه تنها اندیشه‌هایی از قبیل آزادی، قانون، عدالت و ... را در حیات اجتماعی و سیاسی کشور وراد نمود؛ بلکه با راه یافتن این اندیشه‌ها در حوزه‌ی ادبیات به ویژه شعر منجر به تغییرات عمده‌ای در گستره‌ی آن گردید.

«تحولات ادبی و اجتماعی در یکدیگر تأثیر متقابل داشتند؛ اما جنبه‌ی اجتماعی این تحول سر آغازی بود برای کوشش‌های ادبی. تحول در زمینه‌ی فکری و اجتماعی، شعر و نثر فارسی را در مسیر طبیعی و آزاد خود قرار داد تا بتواند از قالب‌های تقلیدی و مضامین محدود شعر درباری رهایی یابد و با زندگی و تلاش مردم همگام شود.» (سحبانی، ۱۳۸۶، ص ۵۶۴)

در واقع ادبیات مشروطه به مرحله‌ای رسیده بود که ضرورت دگرگونی در آن هم از نظر زبان و هم از نظر محتوا، احساس می‌شد از این رو شعر باید اندیشه‌ی عصر را می‌سرود. شعر ملال آور و بی‌روح دوره‌ی قاجار با حوادث و تحولات عصر بیداری هماهنگی نداشت. به همین دلیل مضامین تکراری و تصنعی از بین رفت و مضامین و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی گسترش یافت. زبان شعر به زبان مردم و کوچه بازار نزدیک شد؛ حالت رسمی و درباری شعر از میان رفت؛ به صورت تصنیف و ترانه در دسترس عوام قرار گرفت و انتقاد اجتماعی و سیاسی رواج یافت.

نظر به اهمیت انقلاب مشروطه و ایجاد این تحولات در شعر، به خصوص از نظر مضمون و محتوا، بازکاوی برداشت شاعران از مؤلفه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و انعکاس چنین مسائلی در شعر آنان، جایگاهی ویژه و درخور پژوهش فراهم دارد. نگارنده نیز به سبب علاقه به مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نمود آن در شعر، سه تن از شاعران شاخص این دوره را که شعر آنان نشان‌دهنده‌ی اوضاع و احوال کشور در عصر مشروطه یا بیداری است؛ یعنی، عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی، برای تحقیق و بررسی برگزید.

این پایان‌نامه در چهار فصل تنظیم شده است. فصل اول شامل کلیات است که در این فصل، به مطالبی چون اهمیت تحقیق، شیوه‌ی پژوهش، پیشینه‌ی تحقیق و ... پرداخته می‌شود.

از آنجا که منشأ پیدایش شعر هر دوره را در دوره ی پیش از آن می توان جست و جو نمود و ادبیات به ویژه شعر در ادوار مختلف همچون زنجیری بهم پیوسته است؛ در فصل دوم ابتدا مختصراً در مورد شعر بازگشت و تأثیر آن بر شعر دوره مشروطه، همچنین در مورد ویژگی شعر مشروطه و میزان تأثیر گذاری آن بر عصر بعد یعنی شعر نیمایی توضیحاتی داده شده، سپس زندگی نامه ی کوتاهی از سه شاعر و بررسی شعر آنان از نظر سبک و محتوا ارائه شده است.

در فصل سوم ابتدا زمینه های اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطه تحلیل شده و بعد از آن مهم ترین مضامین اجتماعی و فرهنگی انعکاس یافته در شعر این شاعران از قبیل: وطن پرستی، تعلیم و تربیت نوین، مبارزه با جهل و غفلت مردم، انتقاد از زاهدان و فقیهان ریائی، حقوق و آزادی زنان و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل چهارم مهم ترین مضامین سیاسی و اقتصادی شعر این سه شاعر، از قبیل: آزادی، مبارزه با استبداد، بیگانه ستیزی، انتقاد از رجال و دولتمردان، وضعیت معیشت توده ی مردم و حمایت از رنجبران گنجانده شده است.

شایان ذکر است که با توجه به رابطه ی مستقیم و تنگاتنگ فرهنگ، سیاست، اجتماع و اقتصاد، جدا نمودن بعضی از عناوین و گنجاندن در فصول جداگانه دشوار بود. به ویژه اینکه برخی از اشعار را در نظرگاه ها و جنبه های مختلف می توان بررسی نمود. بنابراین تلاش بر این بود که اینگونه اشعار در قسمت های گوناگون مورد تحلیل قرار گیرند.

امید است مختصر تلاش این جانب، موجب شود گوشه ای از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره ی مشروطه تا حدی که در شعر این سه شاعر تأثیر گذار بوده است، روشن گردد و این رساله بتواند همچون دیگر رساله های اجتماعی، مورد پسند و استفاده ی علاقمندان به این موضوعات قرار گیرد.

فصل اول: کلیات

۱-۱- بیان مسأله پژوهشی

موضوع این پایان نامه با توجه به عنوان آن سیمای جامعه در شعر دوره ی بیداری با تکیه بر شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی است و هدف، بررسی شعر این دوره به طور عام و شعر این سه شاعر به طور خاص است. از آنجا که این سه شاعر متأثر از نهضت مشروطه و تحولات و دگرگونی های پیرامون آن بوده اند؛ شعر آنان، سیمایی از جامعه ی ایران در آن زمان را نشان می دهد.

در این پایان نامه تلاش بر آن است تا میزان تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این دوره در شعر به ویژه اشعار این سه شاعر برجسته مورد نقد و بررسی قرار گیرد و علل و عوامل آن ریشه یابی شود تا در پرتو آن، سیمای جامعه ی ایران در آن برهه ی تاریخی و رابطه ی ادبیات به ویژه شعر با شرایط و ساختار جامعه تا حدودی آشکار شود. همچنین تأثیر شعر دوره ی قبل بر شعر این دوره و تأثیری که شعر مشروطه از نظر زبان و محتوا بر شعر دوره ی بعد یعنی نو یا نیمایی گذاشت، مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲- اهمیت پژوهش

نهضت مشروطه که نقطه ی عطفی در تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در قرن معاصر محسوب می شود؛ از نظر مورخین، جامعه شناسان و پژوهشگران در مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بسیار حائز اهمیت است که هر کدام از این موضوعات و مسائل جانبی آن پژوهش های گوناگون و کاوشگرانه را می طلبد. به ویژه اینکه در قرن حاضر، شاخه ای به عنوان «جامعه شناسی ادبی» جای خود را در میان دیگر شاخه های علوم انسانی و اجتماعی باز کرد و پژوهشگران تلاش نموده اند از منظری دیگر به ادبیات به ویژه شعر بنگرند و رابطه ی میان جامعه و ادبیات را آشکار سازند.

از آنجا که شعر در این دوره متأثر از دگرگونی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار متحول گردید؛ بررسی و حلّاجی نمودن اشعار شاعران این دوره از جوانب گوناگون، درخور توجه و

اهمیت علاقه مندان به «جامعه شناسی ادبیات» و دیگر پژوهشگران متمایل به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی واقع می شود. نظر به اینکه سه شاعر برجسته ی این دوره «عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی» از شاعران مردمی این دوره بودند و پیوندی عمیق با مردم داشتند؛ با بررسی و تحلیل شعر این سه شاعر می توان تا حدودی به اوضاع ایران در آن عصر از جنبه های گوناگون پی برد.

۱-۳- پیشینه ی تحقیق

طی چند دهه ی اخیر به دلیل پیشرفت شاخه ی «جامعه شناسی ادبی» در دنیای غرب، پژوهندگان ایرانی نیز به این شاخه گرایش یافتند و درصدد بررسی ادبیات فارسی از جنبه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به طور کلی مسائل جامعه بر آمدند. محمود روح الامینی با نگاشتن کتاب «نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی»، محمد پوینده با ترجمه ی «جامعه شناسی ادبیات اثر لوسین گلدمن»، و دکتر علی اکبر ترابی با تألیف کتاب «جامعه شناسی ادبیات» و غلامرضا سلیم با کتاب «جامعه شناسی ادبیات یا اجتماعیات در ادب فارسی» جامعه ی دانشگاهی ایران را با شاخه ی جامعه شناسی ادبی آشنا نمودند و دری به روی محققان علوم اجتماعی و ادبیات فارسی گشودند تا با کاوش و بررسی متون ادبی گذشته تا حال که اغلب آنها بر گرفته از مسائل جامعه و سرشار از اشارت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است؛ به ترسیم سیمای جامعه ی ایران در دوره های مختلف تاریخی بپردازند که در این میان می توان به کتاب «سیمای جامعه در شعر عطار» نوشته ی دکتر سهیلا صارمی اشاره کرد.

شعر دوره ی مشروطه (عصر بیداری) به جهت تحولات و پیامد های نهضت مشروطه، از نظر بررسی پیوند میان جامعه و ادبیات نسبت به دیگر ادوار شعر فارسی متمایز است. به همین علت کتاب ها، مقالات و پایان نامه های گوناگونی در زمینه ی شعر این دوره به طور عام از جمله «شعر فارسی از مشروطیت تا امروز» اثر دکتر جعفر مؤید شیرازی، «ادوار شعر فارسی» اثر دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی نوشته شده است.

دانشجویان و پژوهشگران نیز، پایان نامه ها و مقالاتی به طور خاص در زمینه ی نقد اجتماعی در شعر برخی از شاعران این دوره از جمله ملک الشعرای بهار، فرخی یزدی و... نگاشته اند. با مراجعه به سایت کتابخانه ها و دانشگاه های مختلف، عنوانی با نام «سیمای جامعه در شعر عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی» یافت نشد. به همین جهت نگارنده بر آن شد تا با جمع آوری، نقد و تحلیل اطلاعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نهفته در شعر این سه شاعر، سیمای جامعه ی این عصر را در ابعاد گوناگون تا حد امکان ترسیم نماید.

۱-۴- اهداف تحقیق

اهداف این پایان نامه را میتوان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از نهضت مشروطیت ایران و میزان تأثیر آن بر شعر این شاعران.

۲- بررسی تجدد و انقلاب ادبی در شعر این شاعران از نظر سبک، زبان و محتوا.

۳- میزان اثر پذیری شعر مشروطه از شعر دوره ی قبل (بازگشت) از نظر محتوا و سبک.

۴- بررسی زندگی، سبک، آثار و تفکرات این سه شاعر.

در این پایان نامه تلاش بر آن است که ضمن آشنا کردن پژوهندگان و علاقمندان به تاریخ و فرهنگ ایران با یکی از تأثیرگذارترین و مهمترین ادوار تاریخی این سرزمین، اوضاع جامعه ی ایران در این دوره و میزان تأثیر پذیری این سه شاعر از آن اوضاع و احوال مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱-۵- شیوه ی پژوهش

روش این رساله مانند اغلب تحقیقات علوم انسانی، مبتنی بر تحقیق کتابخانه ای و شیوه ی معمول این شاخه از علوم، در تجزیه و تحلیل اطلاعات بر گرفته از خلال متون و مقالات به روش استقرائی می باشد.

نگارنده سعی نموده است با مطالعه و بررسی دقیق دیوان این سه شاعر و بهره گیری از کتابها و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش در کتابخانه های دانشگاه اصفهان، شیراز و کتابخانه ی مرکزی دانشگاه ولی عصر (عج) و دیگر کتابخانه ها و با راهنمایی استادان محترم به ویژه جناب آقای دکتر حاتمی به نقد و تحلیل اطلاعات بر گرفته از این مراجع بپردازد و با غور و تعمق در شعر این سه شاعر به نتایج روشنی در زمینه ی بررسی سیمای جامعه تا حدی که در شعر این شاعران نمود یافته و اشاره شده است، دست یابد تا تحقیق موجود فرا راه دانشجویان و پژوهشگران در زمینه ی مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و رابطه ی آن با ادبیات به ویژه شعر قرار گیرد.

فصل دوم - ویژگی شعر دوره ی بیداری، تأثیر پذیری آن از سبک بازگشت
و جایگاه عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی

۲-۱- شعر بازگشت و تأثیر آن بر شعر بیداری

بررسی شعر هر دوره به تأمل و تحلیل در شعر دوره ی پیش از آن نیازمند است. شعر مشروطه نیز، هر چند دارای ویژگی منحصر به فردی از نظر زبان و مضمون می باشد؛ اما از شعر دوره ی بازگشت تأثیر پذیرفته است. در واقع، آغاز واکنش شاعران نسبت به حوادث جامعه و توجه به زبان ساده و بی پیرایه را می توان در دوره ی بازگشت جستجو و ریشه یابی نمود. از این جهت، مختصر آشنایی با ویژگی های سبک بازگشت و تأثیرات آن بر شعر دوره ی مشروطه این نکته را روشن می سازد.

۲-۱-۱- زمان، خاستگاه و علل پیدایش سبک بازگشت

«جنبش بازگشت در نیمه ی دوم قرن دوازدهم یعنی از اواخر دوره ی افشاریه پدیدار شد و در عهد کریم خان توسعه یافت. اما رواج اصلی و اشاعه ی کامل آن از زمان فتحعلی شاه به بعد است.» (شمیسا، ۱۳۷۵، ص ۳۰۶)

سبک بازگشت که هر چند به دلیل تقلید نمودن از سبک ادبی گذشتگان و دور بودن از نوآوری و ابتکار نمی توان نام سبک بر آن گذاشت؛ در حقیقت جنبشی است که شاعران چه از نظر سبک و زبان و چه از نظر مضمون و محتوا از شاعران پیش از خود یعنی سبک خراسانی و عراقی پیروی نمودند.

«عوامل متعددی در پیدایش و رواج سبک بازگشت موثر بوده اند که مهمترین آنان، رویگردانی شاعران از سبک هندی و نازک خیالی ها و پیچیده گویی ها و دیر فهم بودن آن است که علت آن را باید در سیر قهقرایی سبک هندی در پایان دوره ی صفویه، دوران آشوب افغانه، ظهور نادرشاه و دوران فترت پس از آن جست وجو کرد که با ظهور شاعرانی کم مایه و کم ذوق، موجبات انحطاط این سبک فراهم آمد و با رایج شدن اصطلاحات بسیار زیاد عامیانه، اغراق های غیر قابل قبول، معانی متضاد و مبالغه آمیز و تشبیهات و استعارات دور از ذهن، شعر این دوره را از حالت طبیعی خود خارج نمود.» (خاتمی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۸)

در این زمان بود که ناخشنودی ادیبان، سخن سنجان و شاعران از وضع موجود، آنها را به فکر انداخت و موجب رها کردن سبک هندی و رو آوردن به سبک شاعران دوره ی عراقی و خراسانی گردید و دلیل آن ها نیز حفظ موارث ادبی گذشتگان و رهایی زبان و شعر فارسی از انحطاط بوده؛ از کسانی که در این فکر پیشگام بودند؛ می توان شعله اصفهانی، طبیب اصفهانی، مشتاق اصفهانی، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی و شعرای متعدد دیگر را نام برد.

این شاعران معتقد بودند بایستی از سبک هندی که به گمان آنان موجب انحطاط و سستی ارکان شعر و ادب پارسی شده است، روی گرداند و با بازگشتن به شیوه و سبک دوره های پیش از آن به ویژه سبک عراقی، زبان و شعر فارسی را از حالت خمودگی و افسردگی بیرون آورد و به آن حیاتی نو بخشید.

«از نظر تاریخی می توان دوره ی بازگشت را به دو دوره تقسیم نمود: دوره ی اول که از اواسط قرن دوازدهم تا پایان قرن سیزدهم بوده است و سرایندگان معروف این دوره را می بایست بنیان گذاران جنبش بازگشت به حساب آورد، که از شاعران سبک عراقی به ویژه سعدی، حافظ و خاقانی پیروی می نمودند؛ از جمله: مشتاق اصفهانی، وصال شیرازی و فروغی بسطامی. دوره ی دوم که از اواخر نیمه ی اول قرن سیزدهم آغاز شده است؛ شاعران علاوه بر پیروی از استادان سبک عراقی، از شاعران سبک خراسانی نیز تقلید می نمودند و شاعران این دوره را باید پرچمداران این سبک به شمار آورد. از جمله: فتحعلی خان صبا، میرزا حبیب قا آنی، سروش اصفهانی، فتح الله شیبانی.» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۰)

عامل مهم دیگر در رواج سبک بازگشت، علاقه و توجه شاهان قاجار به شعر و شاعری بود. شاهان قاجار به ویژه فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه که خود نیز دارای قریحه ی شاعری بودند؛ به مسائل و مشکلات مردم و جامعه توجهی نداشتند و با پرپایی مجالس شاعرانه و بخشش های فراوان به شاعران مداح، اوقات خود را سپری می کردند.

« شعر بازگشت را از جنبه ی دیگر نیز می توان به شعر رسمی و غیر رسمی تقسیم نمود، که شعر رسمی همان شعر خواص وابسته به دربار است و شعر غیر رسمی شعری است که بیانگر اوضاع و احوال زمانه بود. شعری که از مصائب و مشکلات واقعی جامعه سخن می گفت و حاکمان و مردم را همان طور که بودند، تصویر می کرد، شعری که نا نوشته دهان به دهان می گشت و شکل می گرفت.» (همان، ص ۲۶۵)